

نقدی بر اصطلاحات
موجود در کتب

نگارش متوسط دوم

دکتر حسین یاسری.
سرگروه زبان و ادبیات فارسی متوسطه دوم استان گیلان

دهم، یازدهم و دوازدهم دعوت می‌کنم. اصطلاحاتی نظیر: «مثل نویسی»، «شعرگردانی»، «حکایت‌نگاری» و «هنجارنوشتار». این واژه‌ها از جمله واژه‌های تقریباً نو ساخته‌ای است که اغلب در کتاب‌های نونگاشت به چشم می‌خورد. همیشه تازگی در عرصه‌های علمی که نمونه بارز آن واژه‌سازی است، با اقبال مواجه نمی‌شود. البته نباید از نظر دور داشت که گاهی اهل زبان با آغوش باز به کاربرد عملی این گونه واژه‌سازی‌ها مبادرت می‌ورزند. برای نمونه، پیامک به جای (SMS) یا پایانه به جای ترمینال و ... بناست در این نوشتار به ترتیب و شماره‌وار به نقد و تحلیل این اصطلاحات بپردازیم تا محدوده کار بهتر مشخص و از پراکنده‌گویی و آشفتگی بیان مطالب پرهیز شود.

۱) «مثل نویسی»

در توضیح و تعریف این واژه در پیش‌گفتار کتاب نگارش صفحه‌ٔ نه چنین آمده است: «تمرینی برای بازآفرینی و گسترش مثل است. در مثل‌نویسی دانش‌آموزان با افزودن شاخ و برگ به اصل مثل، نوشته جدیدی را خلق می‌کنند.»

فرهنگ دیربای جامعه است. عدم پابندی به این مؤلفه، زبان‌های تأمل برانگیزی بر پیکرهٔ زبان وارد می‌آورد که از سویی، تدارک آن‌ها هزینه‌بر بوده و از سوی دیگر برگشت به نقطهٔ مطلوب، مستلزم گذر زمان است؛ زیرا زدودن اذهان از واژه‌ها و ترکیبات ناساز زمان زیادی را می‌طلبد.

کتاب نگارش از بخش
بسیار مغفول مانده و
از سوی دیگر بسیار
کاربردی «ویرایش»
سخنی یا به میان
نیاورده یا اگر هم گفته
باشد، ناچیز می‌نماید

برای بهره‌گیری از زمان پیشرو و پرداختن به اصل موضوع، خوانندگان محترم را به تأمل در چند واژه و ترکیب مصطلح و تازه ساخته شدهٔ کتاب‌های نگارش، در سه پایهٔ

در کتاب‌های نگارش پایه‌های دهم، یازدهم و دوازدهم، اصطلاحاتی به چشم می‌خورد که نیازمند تأمل، بازنگری و واکاوی است. اساساً در مهندسی واژگان و نیز در ترکیب‌سازی، ضروری است که به چند مؤلفه توجه شود؛ از جمله، شکل و ساخت صوری واژگان و ترکیبات با تعاریف و مفاهیمی است که برای این گونه واژگان و ترکیبات وضع می‌شود. از دیدگاه استاد سمیعی گیلانی، «استفاده از اصطلاحات باید مقرون به کمال اتقان باشد» (سمیعی گیلانی، ۱۳۶۹: ۶۳).

اگر برداشت‌های گوناگون از صورت یک واژه یا ترکیب، در زبان علمی و ارجاعی صورت پذیرد، نمایانگر نکات متعدد است و ریشه در چند مقوله دارد: (۱) مهندسی واژه‌گزینی به درستی صورت نپذیرفته است. (۲) بین زبان علمی و ادبی تفاوتی در نظر گرفته نشده است و به سخن دیگر امتزاج زبانی روی داده است.

(۳) نگاه عمیق و جامع الاطراف متخصصان در انتخاب این واژه لحاظ نشده است.

اساساً در واژه‌سازی، اصل مهم دیگری که نباید از نظر دور داشت و به‌عنوان شاخصه‌های مهم: کارساز و تعیین‌کننده است، توجه به روح و ذوق اهل زبان و نیز

این تعریف با عنوان آن یعنی «مثل نویسی» مطابقت و همخوانی ندارد. آنچه از این عنوان در نگاه اولیه به ذهن متبادر می‌شود، این است که دانش‌آموزان خود نیز مثل بنویسند یا مثل تولید کنند. اگر مدرسان محترم ادبیات در آغاز پایهٔ دهم پیش از تدریس نگارش، دربارهٔ این

اصطلاح از دانش‌آموزان سؤال کنند، چند درصد از دانش‌آموزان نظراتشان با تعریف کتاب همخوانی دارد؟ یکی از مبادی نقد این واژه نظرسنجی از دانش‌آموزان و فراگیران دربارهٔ آن است که نمونهٔ بارز اهل زبان‌اند. از سوی دیگر، زبان این تعریف با عنوان آن (مثل نویسی)،

جنبهٔ ارجاعی ندارد. دست‌کم برداشت‌های مختلفی از این تعریف در اذهان متبادر می‌شود.

کتاب می‌توانست از عبارتهایی نظیر «حکایت‌آفرینی به کمک مثل» یا «بازنویسی مثل» یا «بازآفرینی مثل» یا عناوین شایستهٔ دیگری بهره‌گیرد تا با

تعریف مندرج در کتاب هم‌سازی داشته باشد. ذهن دانش‌آموز درختی است که از آن دست که بیرونی، می‌روید. تا به امروز مؤلفان کتاب در جهت تصحیح این موارد اقدام نکرده‌اند.

«تعریف» علاوه بر جامع و مانع بودن از دید منطقیون، باید گویای «عنوان» آن نیز باشد. اگر عنوان در مسیری گام بردارد و تعریف آن در مسیر دیگری، تداعی‌کنندهٔ حکایتی است از مثنوی مولوی با عنوان چالش عقل با نفس همچون تنازع مجنون با ناچه ... از دفتر چهارم مثنوی بیت ۱۵۳۳ به بعد.

۲. «شعرگردانی»

در پیش‌گفتار کتاب نگارش صفحهٔ ۱۰ تعریف و توصیف این اصطلاح چنین آمده است: «از دیگر فعالیت‌های نگارشی است که به‌منظور تحکیم آموزه‌های ادبی و تقویت توانایی‌های بازگردانی مفاهیم بلند ادبی به نثر معیار فارسی است.»

اگر براساس شکل ظاهر و ساخت صوری این واژه، آن را معنا و تفسیر کنیم، یکی از برداشت‌ها از این واژه چنین خواهد بود که شعر در حکم ظرف یا مجمعی است که باید گردانده شود یا شعر را بگردانیم؛ یعنی، دگرگون کنیم. دست‌کم اصطلاح شعرگردانی با آن ویژگی‌هایی که کتاب بر شمرده است و با ساخت صوری آن رابطهٔ یک به یک ندارد. در این باره نیز از دانش‌آموزان نظرخواهی شده است که غالب دانش‌آموزان، بین این دو، تناسب دقیقی مشاهده نکرده‌اند و از آن مهم‌تر در ذوق آنان خوش‌نشسته است. در عمل نیز فراگیران این واژه را به کار نمی‌گیرند. «ابتکار» زمانی معتبر است که علاوه بر نوآوری در صورت؛ یعنی خوش‌آهنگی و زیبایی در تلفظ با مفهومی که از ریشه‌یابی



از آن به دست می‌آید، تطابق یک به یک داشته باشد.

پیشنهاد می‌شود کتاب درسی به جای این اصطلاح از اصطلاحاتی نظیر «بازگردانی یا بازتولید شعر» یا «تبدیل شعر به نوشتار» یا «آفرینش نثر هنری به وسیله شعر» یا عناوین پیشنهادی دیگری بهره‌گیرند تا موجب هم‌افزایی فرهنگی و زبانی شود و از همان ابتدا یادگیری، با علمی‌ترین و دقیق‌ترین اصطلاحات در اذهان یادگیرنده یا دانش‌آموز جای‌گیر شود.

۳. «حکایت‌نگاری»

در پیش‌گفتار کتاب نگارش آمده است که «بخشی دیگر از فعالیت‌هاست. در حکایت‌نگاری، تأکید بر بازنویسی به زبان ساده و ساده‌نویسی است.» در بادی امر از این عبارت این‌گونه از آن استفاده می‌شود که حکایتی از جانب نویسندگان یا دانش‌آموزان تولید یا آفریده شود. برداشت دیگر آن است که حکایتی نقاشی شود نه اینکه حکایتی بازنویسی شود. وانگهی در توضیح کتاب آمده است که در حکایت‌نگاری تأکید بر ساده‌نویسی است. با این وصف بعد از مشاهده واژه حکایت‌نگاری، ذهن دانش‌آموز یا یادگیرنده باید به سوی ساده‌نویسی نیز پرتاب شود. این در حالی است که چنین برداشتی از صورت و ساخت واژه در ذهن ما نقش نمی‌بندد.

با واژه «نگار یا نگاری» در ترکیب «حکایت‌نگاری» علاوه بر نوشتن یا نگارش، ذهن به تصویرسازی و نگارگری نیز رهنمون و پرتاب می‌شود. این واژه‌سازی نیز با تعریف زبان علمی آن در نمی‌سازد. یکی از دلایل این ناهماهنگی بین عنوان و تعریف این‌گونه واژه‌سازی‌ها، بی‌گمان بهره‌گیری کتاب از واژه‌های زبان ادبی است که از آن می‌خواهد تعریف علمی ارائه دهد. واژه حکایت‌نگاری، پیش از آنکه زبان علمی باشد، روح زبان ادبی در آن تنیده شده است و زبان ادبی نیز علاوه بر چند لایه بودن، ابهام یکی از مهم‌ترین ویژگی‌های آن است. پیشنهاد می‌شود، کتاب از عبارات‌های

نظیر «بازآفرینی حکایت‌ها» یا «بازنویسی قصه‌ها» یا هر عنوان مناسب دیگری که با تعریف یا توصیف ارائه شده، همسازی داشته باشد، بهره‌گیرند.

۴. «هنجار نوشتار»

در توصیف این ترکیب آمده است: «با هدف آموزش شاخصه‌های درست‌نویسی و آشنایی با کاربرد درست واژگان در نوشتار معیار، توجه به ابزارهای انسجام متن، طراحی شده است.» کتاب در ادامه یادآور شده است: «حکایت، مثل و شعر در بارورسازی ذهن و زبان و پرورش حافظه و تقویت خوب سخن گفتن و زیبا نوشتن بسیار مؤثر است.»

در تبیین نکات مطروحه باید گفت که اصطلاح «هنجار» واژه اختصاصی علوم اجتماعی است. رفتار متناسب با موقعیت زمانی و مکانی از جانب فرد یا افراد «هنجار» محسوب می‌شود و به رفتاری که متناسب با موقعیت زمانی و مکانی نباشد، «ناهنجار» می‌گویند. گفتنی است، این کتاب با واژه هنجار در عبارت «هنجار نوشتار» واژه جدیدی نساخته است بلکه آن را از ظرفی به طرف دیگر منتقل نموده و به کتاب نگارش رنگ و بوی علوم اجتماعی بخشیده است. به نظر می‌رسد، زبان ترکیب «هنجار نوشتار» تا حدی علمی‌تر است تا سه اصطلاح دیگر.

پیشنهاد می‌شود به جای هنجارنوشتار از عناوین دیگر مانند «آموزش نکات ویرایشی» یا «آموزش شاخصه‌های درست‌نویسی» یا «ویرایش و اصول آن» یا عناوین مرتبط یا تعریف کتاب استفاده شود. کتاب نگارش از بخش بسیار مغفول مانده و از سوی دیگر بسیار کاربردی «ویرایش» سخنی یا به میان نیآورده یا اگر هم گفته باشد، ناچیز می‌نماید.

نیاز جامعه علمی و پژوهشی به کارگیری درست علائم نگارشی و نکات پیرامونی آن است که بدون آشنایی نسبت به آن‌ها کار نویسندگی عملاً نتیجه مناسب و رضایت‌بخشی نخواهد داشت. شاید کتاب در پاسخ موارد بالا بگوید که در سطوح

پایین‌تر - منظور دوره متوسطه اول - از این موارد سخن به میان آمده است. در جواب باید یادآور شد که ویرایشی که در آن مقطع مطرح شد، اولاً ناچیز و ثانیاً در سطح آنان است. در دوره متوسطه دوم می‌باید ویرایش در حد بالاتری ادامه داشته باشد تا دانش‌آموز آماده ورود به مراحل تحقیقی و پژوهشی شود. نیاز جامعه علمی و پژوهشی در درجه نخست یادگیری این علائم و نیز راهنمایی‌های موجود در مبحث ویرایش و نگارش است. اگر دانش‌آموز یا دانشجوی امروزی محقق کارآمد باشد اما فاقد آشنایی لازم و کافی با مباحث ویرایشی، در جوامع علمی - پژوهشی از ارزش کاری او کاسته خواهد شد.

به نظر می‌رسد این کتاب به جای توجه به نکاتی که لازمه نویسندگی و راه نویسندگی است. باید به مواردی که پیش از نویسندگی لازم است مانند «چه نوشتن»، «چگونه نوشتن»، «چرا نوشتن» و در «چه شرایطی نوشتن» بپردازد. مهارت در این‌گونه مسائل اوج مهارت دانش‌آموز در عرصه‌های دانش‌گامی و پژوهشی است. همچنین به راه‌های پرورش معانی از جمله تعریف، توصیف، مقایسه، تحلیل و استدلال و ... آن‌گونه که لازم است، توجه شود. به نظر می‌رسد نیازسنجی دانش‌آموزان و جامعه علمی، مسیر تحقیق را مشخص می‌کند تا جامعه علمی و پژوهشی ما نیز همگام با جوامع جهانی و مطابق با استانداردهای نویسندگی گام بردارد.

